

منظوم

داستان راسان

شاعر:

سید کاظم تبوری سندسی

بنام کسی کافرید از عدم

امشارات امیدمجد

به انسان عطا کرد فکر و قلم

زمستان ۱۳۹۶

شابک: ۲۵۰۰۰۰ ریال ۴-۷۲-۷۹۱۵-۹۶۴-۹۷۸:

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۰۴۶۲

عنوان و نام پدیدآور: منظومه داستان راستان/ شاعر هاشم تیموری.

مشخصات نشر: تهران: امید مجد، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۲۷ ص.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان «نظم داستان راستان» توسط انتشارات عابدی در

سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.

موضوع: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸. داستان راستان — اقتباس‌ها

موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴

موضوع: ۲۰th century — Persian poetry

رده بندی دی‌بی: ۸۱۶۲/۸

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶۰ عن ۸۷۴/۱/PIR۸۰۰۱

سرشناسه تیموری، هاشم، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸. داستان راستان

وضعیت فهرست نویسی: بیابان

عنوان: منظومه داستان راستان

شاعر: سید هاشم تیموری سندسی

چاپ و صحافی: مؤسسه نشاط

ناشر: انتشارات امیدمجد

تیراژ: ۳۰۰ جلد

قیمت: بیست و پنج هزار تومان

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶

شابک: ۴-۷۲-۷۹۱۵-۹۶۴-۹۷۸

تهران: صندوق پستی ۱۴۶۶۵۱۵۵۸

تلفن: ۲۲۰۶۵۵۶۹

info@OmidMaj.Com

Www.OmidMajd.Com

نام کسی کافرید از عدم

انتشارات امیدمجد

به انسان عطا کرد فکر و قلم

فهرست مطالب

۱۰.....	مقدمه.....
	«جلد اول»
۱۶.....	۱- رسو اکرم و دو حلقه جمعیت.....
۱۷.....	۲- ردی ده کمک میخواست.....
۲۰.....	۳- خواهش دعا.....
۲۱.....	۴- بستن زوی انسر.....
۲۲.....	۵- همسفر حج.....
۲۳.....	۶- غذای دسته جمعی.....
۲۴.....	۷- قافله ای که به حج می رفت.....
۲۶.....	۸- مسلمان و کتابی.....
۲۷.....	۹- در رکاب خلیفه.....
۲۸.....	۱۰- امام باقر (ع) و مرد مسیحی.....
۲۹.....	۱۱- اعرابی و رسول اکرم (ص).....
۳۱.....	۱۲- مرد شامی و امام حسین (ع).....
۳۴.....	۱۳- مردی که اندرز می خواست.....
۳۶.....	۱۴- مسیحی و زره حضرت علی (ع).....
۳۸.....	۱۵- امام صادق (ع) و گروهی از متصوفه.....
۵۰.....	۱۶- علی (ع) و عاصم.....
۵۲.....	۱۷- مستمند و ثروتمند.....
۵۳.....	۱۸- بازاری و عابر.....
۵۵.....	۱۹- غزالی و راه زنان.....
۵۹.....	۲۰- ابن سینا و ابن مسکویه.....
۵۸.....	۲۱- نصیحت زاهد.....
۶۰.....	۲۲- در بزم خلیفه.....

- ۶۰..... ۲۳ - نماز عید
- ۶۷..... ۲۴ - گوش به دعای مادر
- ۶۸..... ۲۵ - در محضر قاضی
- ۶۹..... ۲۶ - در سرزمین منی
- ۷۱..... ۲۷ - وزنه برداران
- ۷۲..... ۲۸ - تازه مسلمان
- ۷۵..... ۲۹ - سفره خایفه
- ۷۷..... ۳۰ - شکایت مسایه
- ۷۹..... ۳۱ - درخت خرما
- ۸۱..... ۳۲ - در خانه ام سه
- ۸۲..... ۳۳ - بازار سیاه
- ۸۵..... ۳۴ - وامانده قافله
- ۸۸..... ۳۵ - بند کفش
- ۸۹..... ۳۶ - هشام فرزندق
- ۹۱..... ۳۷ - یزنطی
- ۹۳..... ۳۸ - عقیل ، مهمان علی (ع)
- ۹۶..... ۳۹ - خواب وحشتناک
- ۹۷..... ۴۰ - در ظله بنی ساعده
- ۹۹..... ۴۱ - سلام یهود
- ۱۰۰..... ۴۲ - نامه ای به ابوذر
- ۱۰۲..... ۴۳ - مزد نامعین
- ۱۰۳..... ۴۴ - بنده است یا آزاد ؟
- ۱۰۵..... ۴۵ - در میقات
- ۱۰۶..... ۴۶ - بار نخل
- ۱۰۷..... ۴۷ - عرق کار
- ۱۰۸..... ۴۸ - دوستی که بریده شد
- ۱۱۰..... ۴۹ - یک دشنام
- ۱۱۳..... ۵۰ - شمشیر بیان

۱۱۴.....	۵۱- دو همکار.....
۱۱۶.....	۵۲- منع شرابخواره.....
۱۱۸.....	۵۳- پیراهن خلیفه.....
۱۱۹.....	۵۴- جوان آشفته حال.....
۱۲۰.....	۵۵- مهاجران حبشه.....
۱۲۶.....	۵۶- کارگر و آفتاب.....
۱۲۷.....	۵۷- سایه نو.....
۱۲۸.....	۵۸- سخن سخن.....
۱۲۹.....	۵۹- سبیه.....
۱۳۲.....	۶۰- خواهش مسی.....
۱۳۳.....	۶۱- جمع هیزم از.....
۱۳۴.....	۶۲- شراب در سفر.....
۱۳۵.....	۶۳- استماع قرآن.....
۱۳۶.....	۶۴- شهرت عوام.....
۱۳۹.....	۶۵- سخنی که به ابوطالب نیرو داد.....
۱۴۲.....	۶۶- دانشجوی بزرگسال.....
۱۴۶.....	۶۷- گیاه شناس.....
۱۴۹.....	۶۸- سخنور.....
۱۵۱.....	۶۹- ثمره ی طائف.....
۱۵۵.....	۷۰- ابو اسحاق صابی.....
۱۵۷.....	۷۱- در جستجوی حقیقت.....
۱۶۰.....	۷۲- جویای یقین.....
۱۶۴.....	۷۳- تشنه ای که مشک آبش بدوش بود.....
۱۶۸.....	۷۴- لگد به افتاده.....
۱۷۰.....	۷۵- مرد ناشناس.....
	«جلد دوم»
۱۷۲.....	۷۶- پسر حاتم.....
۱۷۸.....	۷۷- امتحان هوش.....

- ۷۸- جویبر و ذلفا..... ۱۷۹
- ۷۹- یک اندرز..... ۱۸۶
- ۸۰- تصمیم ناگهانی..... ۱۸۷
- ۸۱- پول با برکت..... ۱۸۹
- ۸۲- گرانی ارزاق..... ۱۹۲
- ۸۳- قُرُق حمام..... ۱۹۳
- ۸۴- مضیقۀ ی آبی..... ۱۹۴
- ۸۵- شکایت از روزگار..... ۲۰۰
- ۸۶- عتاب استاد..... ۲۰۱
- ۸۷- افطاری..... ۲۰۴
- ۸۸- شاگرد بزار..... ۲۰۶
- ۸۹- اوضاع کواکب..... ۲۰۹
- ۹۰- ستاره شناس..... ۲۱۰
- ۹۱- گره گشایی..... ۲۱۲
- ۹۲- کدامیک عابدترند؟..... ۲۱۳
- ۹۳- اسکندر و دیوژن..... ۲۱۴
- ۹۴- شاه و حکیم..... ۲۱۶
- ۹۵- توحید مفضل..... ۲۱۹
- ۹۶- شتردوانی..... ۲۲۴
- ۹۷- نصرانی تشنه..... ۲۲۶
- ۹۸- مهمانان علی(ع)..... ۲۲۷
- ۹۹- جذامیها..... ۲۲۸
- ۱۰۰- ابن سیابه..... ۲۲۹
- ۱۰۱- مهمان قاضی..... ۲۳۲
- ۱۰۲- حرف بقالها..... ۲۳۳
- ۱۰۳- پیر و کودکان..... ۲۳۶
- ۱۰۴- پیام سعد..... ۲۳۸
- ۱۰۵- دعای مستجاب..... ۲۴۰

۲۴۴	۱۰۶- مصونیتی که لغو شد
۲۵۰	۱۰۷- اولین شعار
۲۵۵	۱۰۸- در بارگاه رستم
۲۶۲	۱۰۹- فرار از بستر
۲۶۶	۱۱۰- برنامه کار
۲۷۳	۱۱۱- خوابی یا بیدار
۲۷۶	۱۱۲- ذابن خون
۲۹۲	۱۱۳- پس از چه شدند؟
۲۹۶	۱۱۴- پند آموزگار
۳۰۱	۱۱۵- حق بر در مسلمان
۳۰۳	۱۱۶- حق مادر
۳۰۶	۱۱۷- محضر عالم
۳۰۷	۱۱۸- هشام و طاووس یابی
۳۰۹	۱۱۹- باز نشستگی
۳۱۰	۱۲۰- برده فروش
۳۱۲	۱۲۱- خیار فروش
۳۱۵	۱۲۲- گواهی ام اعلای
۳۱۷	۱۲۳- اذان نیمه شب
۳۲۲	۱۲۴- شکایت از شوهر
۳۲۴	۱۲۵- کارهای خانه

می کنیم آغاز با نام خدا آن رحیم و مهربان بر بنده ها

یکی از بهترین روشهای تربیتی که از قدیم الایام در بین انسانها رایج بوده و نسل به نسل و سینه به سینه همچنان باقی مانده است، استفاده از روش قصه گوئی و داستان سرایی است. این روش از هزاران سال پیش و حتی قبل از پیدایش خط و زبان در بین اقوام و ملل مختلف وجود داشته است. پس از پیدایش خط، نوشتن و ثبت قصه و داستان، ماندگاری آن را بیشتر کرد و موجب در امان ماندن هر چه متر آنها در گذر زمان گردید.

قصه گوئی و داستان سرایی و افسانه پردازی، علاوه بر شیرین و جذاب بودن برای شنونده، بخاطر داشتن نکات تربیتی و اخلاقی و پند و اندرز و نصیحت، همیشه یکی از بهترین روشهای تربیتی و پرورش و رشد فضایل اخلاقی در بین آحاد ملت‌های مختلف، بخصوص برای کودکان و نوجوانان بوده است.

ملت‌ها همواره آمال و امیال درونی خود را که گاهی نمی توانستند با آنها دست پیدا کنند، در قالب افسانه و قصه و داستان بیان می نمودند و در آن، با پیروی کردن قهرمان مورد علاقه خود، که دارای خصلت‌های پاک خدایی و انسانی بوده است، تا حدود زیادی خواسته های درونی خود را ارضا می نمودند.

در بیشتر داستان‌های اخلاقی، همواره دو گروه یافت می شوند: یکی اهل حق و دیگری اهل باطل و به عبارت دیگر یکی خیر و دیگری شر. تقریباً تمام ملت‌ها، حتی بدوی ترین قبایل رنگین پوست نیز بخاطر خصلت های خداگونگی که از سوی خداوند در همه ی انسان‌ها بودیعه نهاده شده است علاقمند به پیروزی خیر بر شر و یا گروه حق بر گروه باطل هستند.

برای کودکان و نوجوانان و حتی افراد بزرگسال بسیار جالب بود وقتی می شنیدند که مثلاً فلان پهلوان افسانه ای و قهرمان داستان آنها در مبارزه با نیروهای اهریمنی مثل جهل و خرافات و

شیاطین و دیو و غول و اژدها و ... و پس از نبردی سهمگین و طاقت فرسا، با کشتن آن موجود شر و پلید، سرانجام به پیروزی نایل می شد. بنابراین خود بخود در درون خویش احساس همذات پنداری و غرور و افتخار و شجاعت می کرد و سعی می کرد خود را همانند آن شخصیت افسانه ای درآورد.

حال زیبایی مساله زمانی بیشتر می شود که شنونده و یا خواننده ی داستان با پهلوانان و قهرمانان واقعی، نه افسانه و دروغین، روبرو شوند و چنین افرادی بر روی کره خاکی و مخصوصا در سرزمین خودش وجود خارجی و ملموس داشته باشد و به همین خاطر اعتماد به نفس و اشتیاق او به همانند شدن با این افراد بیشتر و بیشتر می شود و اثر تربیتی ماندگارتری در آن شخص بجا می ماند.

از سوی دیگر اگر هسته داستان را بصورت نظم درآیند، بخاطر وجود روح شاعرانه و آرایه هایی همانند وزن و قافیه و صناعات دیگر اثراتش بمراتب بهتر و ماندگارتر از نثر خواهد شد؛ کمالینکه اشعار کتاب های دوران تحصیل و دانشگاهی منظومی که در سالهای دور خوانده و حفظ شده اند، پس از گذشت سالهای سال، بدون حتی کم شدن یک حرف، در اذهان باقی مانده اند.

از بهترین نمونه های داستان های حقیقی و ارزشمند، کتاب داستان راستان، تالیف استاد شهید مرتضی مطهری است. که سالهای سال است مورد علاقه و محاسن مردم کودکان و نوجوانان و حتی همه ی احاد ملت ما بوده و هست و خواهد بود. تنوع و گوناگونی مطالب کتاب، شیرینی و زیبایی آن را دو چندان نموده است.

علت بوجود آمدن نظم این کتاب:

گاهی برخی از کارها و یا سخنان بظاهر کوچک و کم اهمیت می تواند اثرات بزرگی در جامعه برجای بگذارد؛ همانگونه که سخنان یکی از روحانیون محلی در مسجد ساروق اراک در باره پرداخت زکات و رعایت این توصیه توسط کربلایی محمد کاظم ساروقی، باعث شد تا این شخص عامی و بیسواد به درجه ای برسد که همانند پیامبر اکرم (ص) یک شبه حافظ کل قرآن

شود و جهان معاصر و علمای کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی را به اعجاب و شگفتی وادارد.

بلا تشبیه، اینجانب چند سال پیش برای نماز جماعت به مسجد جامع شهرمان رفتم. پس از نماز، یکی از دوستان که می دانست من در زمینه ی سرودن شعر و بنظم در آوردن داستانهای اخلاقی و تربیتی دستی از دور بر آتش دارم، به من گفت که فلاتی، چرا کتاب داستان راستان شهید مطهری را به نظم در نمی آوری؟ من هم در جواب فقط به گفتن «انشالله اگر فرصت شد شاید این کار را کردم» بسنده کردم و چندان جدیتی برای انجام این کار نداشتم. هنگامی که از مسجد به خانه آمدم، چند نفر از اقوام مهمان ما بودند. ناگهان یکی از آنها بی مقدمه گفت که فلاتی، چرا کتاب داستان راستان شهید مطهری را به نظم در نمی آوری؟!

من واقعا حیران برجا ماندم. من حق را می دانم. در یک روز و در طی حدود یک ساعت، دو نفر در دوجای متفاوت به من چنین پیشنهائی کردند. من این مسئله را به فال نیک گرفتم و احساس کردم که حتما باید در پس این پیشنهادهای ساده بهانه باشد. به همین خاطر دیگر شک و تردید را کنار گذاشتم و عزم خود را جزم کردم تا این کار را انجام بدهم. لذا از فردای آن روز شروع کردم به کار به نظم در آوردن داستانهای بسیار زیبای کتاب داستان راستان علامه شهید مرتضی مطهری (قدس سره).

روزهای اول، کار خیلی مشکل بود و مثل این بود که بخواهی با کلمات ساده و باریک و با تشبیه، کوه بیستون را از میان برداری؛ ولی بتدریج، تا حدودی آسان تر شد ولی من این حال بخاطر وجود کلمات و عبارات دشوار و ناموزون و اسامی خاصی که با هیچیک از وزنهای عروضی جور در نمی آمد.

کارنظم گاهی خیلی بکندی پیش می رفت. گاهی کار آنچنان بر من مشکل می شد که بارها تصمیم به رها کردن آن می گرفتم و بقول معروف می خواستم عطایش را به لقایش ببخشم ولی بعد از مدتی دوباره پشیمان گشته و با توکل به خدا و با عزمی راسخ و جدیتی بیشتر به کار ادامه می دادم تا جایی که بالاخره پس از حدود یک سال زحمت و تلاش شبانه روزی

توانستم کار نظم کتاب ارزشمند داستان راستان را به اتمام برسانم.

از خصوصیات این منظومه این است که حتی الامکان سعی شده در بنظم در آوردن دقیق متن کتاب رعایت امانت شود و مراعات وزن و قافیه به اصل داستان و جمله ها و حتی کلمه های آن لطمه وارد نکند. سعی بر این شده است تا جمله ها و کلمه ها مویمو و بطور دقیق با متن داستان و نوشته ها منطبق باشد و چیزی از پیش خود بر آن افزوده نگردد مگر در موارد بسیار جایی که از روی ناچاری انجام گیرد و آن هم بطوری که تغییری در معنی و اصل داستان ایجاد نکند....

امید است خوانندگان به نثر منظم منظومه، اگر در هنگام مطالعه به نکته ای برخوردند که نیاز به اصلاح داشت، اینجانب را مطلع سازند تا انشاءالله در چاپ های بعد، نسبت به رفع عیوب احتمالی و ویرایش و اصلاح مجدد آن اقدام عاجل بعمل آید.

دوستان عزیز می توانند جهت ارائه پیشنهادات و نظرات ارزشمند خود با این شماره ها تماس حاصل نمایند: ۰۹۱۱۳۴۸۰۲۳۶ - ۰۱۶۴۳۴۵۴۵ - ۰۹۰۳۶۵۳۹۳۴۶ - ۰۱۳۳۳۶۲۱۲۱۸

من الله التوفیق

سید هاشم تیموری

۱۳۹۵/۷/۱۰

مصادف با اول محرم الحرام

سال ۱۴۲۷ هجری قمری